

Influenceability of Junouni Ardebili's Poems on Islamic Culture and Knowledge

Mansour Alizadeh Bigdiloo^{id} *

1. PhD in Persian Language and Literature, University of Mohaghegh Ardabili. Ardabil, Iran.

Received: 2024/08/07

Received in Revised Format: 2024/08/24

Accepted: 2024/08/31

Published: 2024/09/22

Abstract

After the emergence of Islam and its spread in Iran, Persian poetry received numerous influences from it. The further we move away from the beginning of Islam, the more this influence becomes apparent in literary works; until it reaches its peak in the seventh and eighth centuries. After this period, signs of the influence of the Quran and Hadith in poetry are still abundant. Junouni Ardebili is one of the unknown poets of the Indian style in the 12th century AH whose poems have been influenced by the teachings of Islam and the beliefs of the Shiite religion in various ways. The study of his Divan, which was conducted using a descriptive-analytical method, has been carefully examined in five sections: "specific words or phrases", "references to the names of famous people in the Islamic world", "terms, expressions and mystical concepts", "concepts related to Islamic teachings" and "references to stories, verses and narrations". This study, aimed at determining the role of Islamic culture and education in the richness of his poetry, showed that a significant part of his poems were influenced by this intellectual-cultural source; in such a way that the lack of these influences would seriously reduce the richness of his poems.

Keywords: Influence, Islam, Culture, Quran, Junouni Ardebili.

Cite as: Alizadeh Bigdiloo, Mansour. Influence of Junouni Ardebili's Poems on Islamic Culture and Knowledge. Iranian History of Culture. 2024; 1(1): 1-24.

Owner and Publisher: University of Tabriz

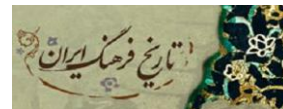
Journal ISSN (online): 3060-8066

Access Type: Open Access

DOI: 10.22034/IHC.2024.19225

* Corresponding author: PhD in Persian language and literature, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran. Shang.m90@gmail.com





تأثیرپذیری اشعار جنونی اردبیلی از فرهنگ و معارف اسلامی

منصور علی زاده بیگدیلو^{*}

۱. دکترای زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۷ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۳ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۶/۱۰ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱

چکیده

پس از ظهور اسلام و گسترش آن در ایران، شعر فارسی تأثیرات فراوانی از آن پذیرفت. هرچه از صدر اسلام فاصله می‌گیریم این اثرپذیری در آثار ادبی بیشتر خودنمایی می‌کند؛ تا این که در قرن هفتم و هشتم به اوج خود می‌رسد. پس از این دوران نیز همچنان نشانه‌های تأثیرات قرآن و حدیث در شعر پر رنگ است. جنونی اردبیلی از شاعران گمنام سبک هندی در قرن دوازدهم هجری است که اشعارش از سویه‌های مختلف تحت تأثیر آموزه‌های اسلام و اعتقادات مذهب شیعه بوده است. بررسی دیوان وی که با روش توصیفی-تحلیلی انجام پذیرفته، در پنج بخش «واژه‌ها یا کلمات خاص»، «اشاره به نام اشخاص معروف جهان اسلام»، «اصطلاحات، تعبیرات و مفاهیم عرفانی»، «مفاهیم مرتبط با آموزه‌های اسلامی» و «اشاره به داستان‌ها، آیات و روایات» مورد دقت نظر قرار گرفته است. این بررسی با هدف تعیین نقش فرهنگ و معارف اسلامی در غنای شعر وی نشان داد که بخش قابل توجهی از اشعار وی تحت تأثیر این منبع فکری-فرهنگی بوده است؛ به شکلی که فقدان این تأثرات به صورت جدی از غنای شعرهای وی خواهد کاست.

کلیدواژه‌ها: تأثیرپذیری، اسلام، فرهنگ، قرآن، جنونی اردبیلی.

نحوه ارجاع: علی زاده بیگدیلو، منصور. "تأثیرپذیری اشعار جنونی اردبیلی از فرهنگ و معارف اسلامی". تاریخ فرهنگ ایران. ۱۴۰۳: ۱۵-۲۹.

صاحب امتیاز و ناشر: دانشگاه تبریز

شاپای الکترونیکی: ۸۰۶۶-۳۰۶۰

نوع دسترسی: آزاد

DOI: 10.22034/IHC.2024.19225

مقدمه

با ظهور اسلام و به تبع آن رشد حرکت‌های فکری در جوامع اسلامی تحولات چشمگیری در نوع نگرش مردم به وقوع پیوست. اسلام با شعار برابری و برادری به سرعت، دل‌های مردمان گرفتار در اختلافات طبقاتی را تسخیر کرد. در این میان، ایرانیان نیز جزو مردمانی بودند که با اسلام و تعالیم آن آشنا شدند. راهیابی فساد در میان موبدان زرتشتی و مال‌اندوزی آنان، و نیز وجود تقسیم‌بندی‌های طبقاتی در دوره ساسانی باعث شد تا اسلام با شعار «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُ» به زودی جان و دل ایرانیان را تسخیر کند؛ این تأثیرات تا بدانجا پیش رفت که آنان اهداف خود را به شکل قابل توجهی با آموزه‌ها و احکام جدید تعیین کردند. یکی از آموزه‌های مورد تأکید در اسلام که بارها در بیانات مختلف رسول اکرم «ص» بدان اشاره شده، اهمیت علم و پرداختن به علوم بوده است. آن حضرت فضیلت علم را محبوب‌تر از فضیلت عبادت می‌دانست.^۱ در پی این ارزشگذاری و آشنایی و نهادینه شدن این قبیل موارد در بین ایرانیان، تأثیرات آن پس از چند قرن در آثار علمی و ادبی آنان آشکار شد. فرهنگ اسلامی برگرفته از مفاهیم والای قرآن کریم و احادیث رسول اکرم «ص» و ائمه‌ی اطهار «ع» می‌باشد، لذا مفاهیمی که به وسیله‌ی ادبا و فضلاء ایرانی از این دو دریای بی‌کران به وام گرفته شد موجب غنای بیشتر آثار خلق شده گردید. بهره‌گیری از این منابع به دو دلیل انجام می‌شد: نخست آن‌که قداست و ارزش مذهبی و معنوی قرآن و حدیث به آثار پدید آمده نیز نوعی قداست و حرمت ارزانی می‌کرد و نظر مردم را که به قرآن و حدیث به دیده‌ی احترام می‌نگریستند نسبت به آثارشان پذیرفتنی و قابل احترام می‌ساخت. دیگر آن‌که قدما یکی از راه‌های پرورش استعداد ادبی خود را پیش از هر چیز عادت دادن خود به خواندن کلام وحی و اخبار حضرت رسول و آثار مربوط به صحابه می‌دانستند.

هرچه از صدر اسلام فاصله می‌گیریم، شاعران فارسی به جهت آشنایی روز افزونشان با فرهنگ و معارف اسلام، تأثیرپذیری‌شان از این فرهنگ نیز نمود بیشتری می‌یابد، تا این‌که در سبک عراقی این امر به اوج خود می‌رسد. پس از این دوره و با ظهور سبک هندی که مصادف است با حکومت صفویان، در کنار مواردی که در دوره‌های قبل نیز می‌توان آن‌را مشاهده کرد، مفاهیم مربوط به مذهب شیعه در شعر پررنگ‌تر می‌شود.

جنونی اردبیلی، از شاعران نیمه دوم قرن یازده و نیمه اول قرن دوازده و در زمره شاعران سبک هندی است که گمنام مانده است. اطلاع دقیقی از نام، تاریخ ولادت و وفات وی در دسترس نیست (هادی انداب، ۱۳۹۴: ۱). همان‌طور که از اشعار او استفاده می‌شود، دیوانش شامل غزلیات، قصائد، ترجیع و رباعیات و در حدود ۳۲۵۴ بیت است (موسوی اردبیلی، ۱۳۷۸: ۱۴۳). جنونی به دو زبان فارسی و ترکی شعر گفته است و دیوانش علاوه بر موارد گفته شده، جنگ‌نامه ترکی را و نیز در بر دارد. موضوع اشعار او عشق و عرفان، مباحث اخلاقی و پند و اندرز و مدح را شامل می‌شود (هادی انداب، ۱۳۹۴: ۵). در پژوهش حاضر در صدد هستیم تا اشعار وی را از حیث اثرپذیری از فرهنگ و معارف اسلامی مورد ارزیابی قرار داده و سهم آموزه‌های شیعه را در این بین مشخص کنیم.

پیشینه و روش تحقیق

در خصوص جنونی اردبیلی، به جز مقاله‌ای با عنوان «جستجو در احوال و آثار جنونی اردبیلی و گردهمایی شعرای ادب فارسی»، که به وسیله رحیم هادی انداب جدید انجام پذیرفته و در دهمین همایش بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی به

۳) فَضْلُ الْعِلْمِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ فَضْلِ الْعِبَادَةِ؛ (ابن شعبه الحرانی، ۱۳۸۹: ۷۸).

مقاله پژوهشی

چاپ رسیده تحقیق خاصی صورت نپذیرفته است. وی در این مقاله ضمن معرفی شاعر و اشعار او به تصحیح مخمسی از وی پرداخته است. با توجه به موضوع پژوهش یاد شده، تحقیق حاضر که جنبه‌هایی از تاثیرپذیری جنونی از فرهنگ اسلامی را مورد بررسی قرار می‌دهد در نوع خود قابل توجه خواهد بود.

در مقاله حاضر که به روش توصیفی-تحلیلی انجام می‌پذیرد، نگارنده در صدد است تا با تقسیم‌بندی تاثیرات فرهنگ اسلامی در پنج بخش «واژه‌ها یا کلمات خاص»، «اشاره به نام اشخاص معروف جهان اسلام»، «اصطلاحات، تعبیرات و مفاهیم عرفانی»، «مفاهیم مرتبط با آموزه‌های اسلامی»، «اشاره به داستان‌ها، آیات و روایات» و یافتن نمونه‌های هریک از بخش‌ها از دیوان جنونی اردبیلی، آن‌ها را مورد ارزیابی قرار داده و توضیحات و تحلیل لازم را ارائه دهد.

بحث(متن مقاله)

تاثیراتی که ظهور یک پدیده سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در شعر و نثر یک دوره می‌گذارد را می‌توان در سه بخش زبانی، فکری و ادبی مورد ارزیابی قرار داد. تاثیری که ظهور اسلام به عنوان یک پدیده فرهنگی-دینی که ابعاد سیاسی و اجتماعی مهمی نیز در پی داشت را از لحاظ این سه بخش می‌توان مورد ارزیابی قرار داد؛ لکن به جهت این‌که دیوان مورد بررسی مربوط به سده دوازدهم می‌باشد و تحول بعد ادبی آن دوره دلایل خاص خود را دارد؛ در پژوهش حاضر تلاش می‌کنیم تا از نظر زبانی و فکری به بررسی اشعار جنونی بپردازیم و میزان تاثیر اسلام و فرهنگ اسلامی در این خصوص را در پنج بخش عیاد شده داوری کنیم.

واژه‌ها یا کلمات خاص

واژه‌ها و کلمات خاص در بیان و گفتار ما نشانگر اثراتی است که ما از محیط اطراف می‌پذیریم. زبان شاعران نیز از این امر مستثنی نیست. علاوه بر تاثیراتی که محیط و جغرافیای شاعر بر زبان و نوع استفاده از کلمات آن می‌گذارد، باورهای دینی و آشنایی با معارف مذهبی نیز در شکل‌گیری آن موثر است. پس از گسترش اسلام در ایران، آشنایی شاعران با معارف اسلامی در زبان و واژه‌های مورد استفاده در آن نیز تاثیر گذاشت و این امر تا به امروز نیز ادامه داشته است. شاعران سبک هندی نیز هرچند از لحاظ زبانی، ادبی و فکری، نسبت به دوره‌های قبل تغییرات قابل توجهی در شعر به وجود آوردند اما واژه‌های مرتبط با اسلام در آثار آن‌ها نیز به وفور یافت می‌شود.

به نمونه‌های زیر توجه کنید:

در آیه چهارم سوره اخلاص خداوند خود را بی‌همتا و بی‌مانند معرفی می‌کند: «و لم یکن له کفوا احد» (۴/ اخلاص) و ترکیب وصفی «ذات بی‌همتا» ترجمه «کفوا احد» در این آیه شریفه است که در زبان شاعران نیز منعکس شده است:

چو دریا از تحرک بر تموج منتهی گردد تعدّد گشت پیدا در صفات ذات بی همتا (غ ۱، بیت ۳، ۷۷)

^(۴) اشاره به این نکته ضروری است که پنج بخش انتخابی برای بررسی شعر جنونی، همه مباحث مربوط به مختصات زبانی و فکری را شامل نمی‌شود و ملاک عمل ما در این تقسیم‌بندی بر پایه گونه‌گونی نمونه‌های یافت شده استوار بوده است.

«قضا و قدر از عقاید قطعی اسلامی است» (قضا و قدر/ <http://fa.wikifeqh.ir/>) و باورهای مختلفی در خصوص آن وجود دارد. بحث از قضا و قدر بیشتر در مباحث کلامی مورد توجه قرار گرفت و به تبع آن وارد شعر فارسی هم شد. کلمه «تقدیر» در بیت زیر نمونه‌ای از کاربردهای این دو اصطلاح در شعر است:

هر آن سری که در وحدت سرای غیب مخفی بود به لوح کائنات از منشی تقدیر شد انشا (همان: بیت ۴)

از واژه‌هایی که پس از ظهور اسلام مورد توجه قرار گرفت می‌توان به صفات خداوند اشاره کرد که در اشعار شاعران فارسی زبان نیز نمود یافته است. «احد» در بیت زیر یکی از این صفات است که در آیه اول سوره اخلاص هم ذکر شده است. سخن از ذات خداوندی مبحث دیگریست که در اشعار فارسی و به تبع مفاهیم قرآنی وارد شعر فارسی شد:

احد زان کرد دل مشرق طلوع میم احمد را که نشناسد کسی از ذات حق ذات محمد را (غ: ۳، بیت ۱، ۷۸)

«وحدانیت» از مشتقات «احد» در بیت زیر نیز آمده است:

شب معراج باز احمد مجرد شد ز میم ار نی به وحدانیت او نیست ره مطلق مقید را (همان: بیت ۲)

کلمه «شهادت» در نمونه زیر، مورد دیگری است که در جوامع اسلامی زیاد از آن استفاده می‌شود و اشعار جنونی نیز از این قاعده مستثنی نبوده است. در کتاب «معجم المصطلحات و الالفاظ الفقهیه»، در معنی این واژه چنین می‌خوانیم: «صیغه مبالغه فی الشاهد، و يقال: للمشهد للشيء - و الشهيد: اسم من أسماء الله الحسنى، قال الله تعالى: إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيداً (سورة النساء، الآية ۳۳) - و الشهيد: من قتل في سبيل الله» (عبدالمعظم، ج ۲، ۱۴۱۹: ۳۴۶). با توجه به تعریفی که از این واژه ارائه شد، پر واضح است که این کلمه در فرهنگ اسلام و قرآن کلمه‌ای مهم و قابل توجه بوده است:

کلام شگرینش گر نمی شد خضر خودبینان شهادت شهد یکتایی نمی بخشید اشهد را (غ: ۳، بیت ۳، ۷۸)

«کعبه» به عنوان قبله‌گاه مسلمانان نیز مورد توجه جنونی بوده و مثل نمونه زیر بارها در دیوان وی از این واژه استفاده شده است:

در کعبه نقش پای تو محراب ساختن از بهر عمر رفته پشیمانی من است (غ: ۲۷، بیت ۲، ۱۰۱)

همچنین کلمه «کعبه»، در بیت‌های دیگری نیز ذکر شده است: (غزل ۴۴، بیت ۱، ص ۱۱۶)، (غزل ۴، بیت ۱، ۱۲۴)، (غزل ۵۸، بیت ۴، ۱۲۶) و (غزل ۶۰، بیت ۲، ۱۲۷).

نمونه‌های دیگر از واژه‌ها یا کلمات خاص اسلامی که در دیوان جنونی اردبیلی موجود است:

فیض الهی (غزل ۱۲۵، بیت ۱، ۱۸۷)؛ قربانگه (غزل ۱۲۶، بیت ۵، ۱۸۸)؛ لوح و قلم (غ: ۳، بیت ۴، ۷۸)؛ معراج و قیامت (همان، بیت ۷)؛ کبریا (غزل ۱۳۳، بیت ۲، ۱۹۵)؛ معراج (غزل ۲۷، بیت ۴، ۱۰۱)؛ مهر نماز (غزل ۳۳، بیت ۱، ۱۰۶)؛ روز حشر (غزل ۵۸، بیت ۳، ۱۲۶)؛ ليله القدر (غزل ۱۵۱، بیت ۳، ۲۱۳)؛ کربلای قلب دل و شهادتگاه (غزل ۱۷۳، بیت ۷، ۲۳۴)؛ آیه لیل و سوره شمس و قرآن (غزل ۱۷۶، بیت ۳، ۲۳۶)؛ اسلام (غزل ۱۷۷، بیت ۴، ۲۳۷)؛ مسجد (همان، بیت ۶)؛ مسلمان (غزل ۲۰۷، بیت ۴، ۲۶۵)؛ قرآن و تفأل (همان، بیت ۸)؛ صحرای کربلا (غزل ۲۰۸، بیت ۲، ۲۶۶).

اشاره به نام اشخاص معروف جهان اسلام

ذکر نام شخصیت‌های معروف اسلامی، یا اشاره به آن‌ها با ذکر حوادث مرتبط با حیاتشان، امری است که پس از گسترش اسلام در ایران، وارد شعر فارسی شده و تا امروز هم ادامه داشته است. در اشعار جنونی نیز از شخصیت‌ها مپی نام برده شده که شاعر با اشاره به نام یا داستانی از زندگی آن فرد به بیان مفهومی اقدام کرده و به آفرینش مضمونی دست زده است. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

احد زان کرد دل مشرق طلوع میم احمد را که نشناسد کسی از ذات حق ذات محمد را (غزل ۳، بیت ۱، ۷۸)

در بیت بالا شاعر با آوردن نام رسول مکرم اسلام، مضمون آفرینی کرده است. مضامینی از این دست رهاورد آشنایی جنونی با اسلام، معارف اسلامی و شخصیت‌های جهان اسلام است. در بیت زیر نیز صفت «شاه ولایت» که مراد از آن امیرالمومنین علی (ع) است ذکر شده:

ستون خیمه دین هیچ دانی چیست امت را به دل حالی نمودن پایه شاه ولایت را (غزل ۴، بیت ۱، ۷۹)
و در نمونه زیر نام آن حضرت به شکل کامل آمده است:

محیط مرکز عرفان علی ابن ابیطالب که چون او آقتابی نیست ممکن برج همت را (همان، بیت ۲)
در دو بیت زیر از صفت «شاه نجف» برای اشاره به آن حضرت استفاده کرده است:

ای جنونی یاد خوبان مایه روشندلی است سایه شاه نجف شمع مزارم آرزوست (غزل ۳۹، بیت ۶، ۱۱۳)
مبند لب چو جنونی ز مدح شاه نجف که هست گمشده دائم به رهنما محتاج (غزل ۸۲، بیت ۷، ۱۴۹)

نام مبارک سیدالشهدا، امام حسین (ع)، که نهضت ایشان بر پیشانی تاریخ اسلام نقش بسته است زینت بخش بخشی از اشعار جنونی اردبیلی شده است؛ از آن جمله است در بیت زیر که به جایگاه والای آن حضرت در نزد باری تعالی و بخشیدن گناه شاعر به برکت مدح آن حضرت اشاره شده است. وجوب بهشت برای کسی که یک بیت شعر در مصیبت حضرت امام حسین علیه السلام خوانده و خود بگرید (ابن قولویه، ۱۳۷۷: ۲۹۹)، اساس اندیشه‌ای است که جنونی در بیت زیر آن را مطرح می‌کند:

ای جنونی چه غم از پرسش محشر که تو را جرم بر مدح حسین بن علی بخشیدند (غزل ۹۸، بیت ۱۱، ۱۶۳)
حسین بن منصور حلاج از عارفان مشهور ایران و شخصیت‌های مهم عرفان اسلامی است که انا الحق می‌گفت (شمیسا، ۱۳۸۹: ۲۶۵). جنونی در بیت زیر نام و سخن معروف او را آورده است:

گوشه‌گیران را انا الحق هست از حق بی‌گمان این کمان در بند سعی چله منصور نیست (غزل ۴۱، بیت ۲، ۱۱۴)
نمونه‌های دیگری که در آن به نام اشخاص معروف جهان اسلام اشاره کرده است:

شاه خراسان (غزل ۱۴۰، بیت ۱۰، ۲۰۳)؛ کربلا (رباعی ۶، بیت ۱، ۳۸۱)؛ حسین بن علی (رباعی ۷، بیت ۱، ۳۸۱)؛ سر حسین (رباعی ۸، بیت ۱، ۳۸۲)؛ خون حسین (رباعی ۹، بیت ۲، ۳۸۲)؛ حسین بن علی (رباعی ۱۰، بیت ۲، ۳۸۲)؛ با آوردن «کربلا» به امام حسین «ع» اشاره کرده است (رباعی ۱۱، ۱۴۱ و ۱۴۲، بیت ۱، ۳۸۲ و ۳۸۳)؛ حسین «ع» (رباعی ۱۳، بیت ۱، ۳۸۲)؛ مهدی

صاحب الزمان (ترجیع بند ۱، بیت ۴۸، ۳۶۹)؛ همچنین در قصیده اول خود به مدح حضرت علی «ع» می‌پردازد (قصیده ۱، ۳۲۱)؛ قصیده سوم نیز در مدح سیدالشهدا و سلطان الاولیا حسین بن علی «ع» سروده شده است (قصیده ۳، ۳۳۴).

اصطلاحات، تعبیرات و مفاهیم عرفانی

تصوف به عنوان فرقه‌ای از فرق مذهب اسلام بعد از قرن دوم هجری ظهور کرد و بعدها به سبب آرای خاصی که در آن به وجود آمد به صورت مکتبی علمی درآمد (گوهرین، ۱۳۷۶: یک). اصطلاحات و تعبیرات آنان، در آثار ادبی فارسی، به خصوص آثار شاعران و نویسندگان متأثر از این گروه به شکل قابل توجهی وارد شده است. دقت در دیوان جنونی اردبیلی نشان می‌دهد که اصطلاحات و مفاهیم عرفانی در اشعار او نیز راه پیدا کرده و به شور و هیجان شعر وی افزوده است. این کاربرد در پژوهش پیش رو به عنوان بخشی از تأثیرپذیری‌های او از آموزه‌های اسلامی در نظر گرفته می‌شود. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

اصطلاحات:

خوف «در اصطلاح توقع حلول مکروه یا فوات محبوب است. و در نزد ارباب سلوک شرم از معاصی و مناهی و تألم از آن» (گوهرین، جلد ۵، ۱۳۸۰: ۱۸۰) و رجاء «تعلق دل است به رسیدن و به دست آمدن محبوب در آینده و طمع به آینده» (همان، ۱۳). این دو اصطلاح عرفانی پرکاربرد در بیت زیر آمده است:

هر نقطه که در محیط هستی پیداست سرگردان دایره خوف و رجاست رباعی (رباعی ۱۷، بیت ۱، ۳۸۳)

یکی دیگر از اصطلاحات پرکاربرد در عرفان و تصوف، «حیرت» و سرگردانی است که در اصطلاح صوفیان به امری ناگهانی اطلاق می‌شود که هنگام تأمل و حضور و تفکر در دل وارد شده و صوفی عارف را از تأمل و تفکر بازمی‌دارد (گوهرین، جلد ۱، ۱۳۷۶: ۳۲۱). در نمونه‌های زیر به این دو اصطلاح هم اشاره شده است:

آینه روی تو به حیرانی من نیست این طوطی گویا به سخندانی من نیست (غزل ۲۴، بیت ۱، ۹۸)

هر نقطه که در محیط هستی پیداست سرگردان دایره خوف و رجاست رباعی (رباعی ۱۷، بیت ۱، ۳۸۳)

از دیگر اصطلاحات عرفانی که در بیت زیر نیز ذکر شده، «جلوه» است که در اصطلاح «خروج بنده است از خلوت بنوعت الهی هنگامیکه جسم و اعضاء او محو شود از انانیت و اعضاء بحق مضاف گردد بدون حق» (گوهرین، ۱۳۶۸: ۴۹). به نمونه زیر توجه کنید:

چو از خلوت به صحرا جلوه‌گر شد حسن بی‌پروا به سر هر ذره را سودای شور عشق شد پیدا (غزل ۱، بیت ۱، ۷۷)

استغنا «در اصطلاح صوفیان بی‌نیازی است که هر دو جهان در جنب آن به شمار ذره‌ای هم در نیاید» (گوهرین، ۱۳۷۶: ۲۵۰). جنونی در نمونه زیر از این اصطلاح هم در کنار اصطلاح نقاش که عبارت است از صور ارواح اسرار، ذات حق تعالی (سجادی، ۱۳۸۳: ۷۷۰) استفاده کرده است:

در این آینه چون عکس جمال خویش می‌بیند ز معشوقی نماید بر نیاز خویش استغنا

جنونی مدعا زین نقشها نبود به جز نقاش خدا را هر که می‌خواهد نگردد مایل دنیا (همان، بیت ۷۶)

اصطلاح «جمعیت» به معنی اجتماع همت‌ها به باری تعالی و دل‌کندن از غیر او (گوهرین، ۱۳۷۶: ۶۸) و اصطلاح «زلف» که «اشارت است به تجلی جلالی در صور جسمانی و صفات خداوندی» (گوهرین، ۱۳۸۰: ۱۶۹) و از آن به کثرت نیز تعبیر شده، از موارد پرکاربرد در بیان شاعران فارسی زبان هستند که در بیت زیر نیز آمده‌اند:

آشفته‌گیش باعث جمعیت دلهاست آن زلف پریشان به پریشانی من نیست (همان، بیت ۵)

مفاهیم:

سخن در باب جمع بین وحدت و کثرت مبحث ظریفی است که در آرای صدرالمتهلین به آن پرداخته شده است، به طور خلاصه باید گفت که وی «در تبیین این نکته که چگونه وحدت با کثرت جمع می‌شود و اینکه چگونه می‌توان گفت یک حقیقت وحدانی، متکثر است، از این وحدت، به وحدت سریانی تعبیر می‌کند؛ نوعی وحدت که نه تنها در مقابل کثرت و غیر قابل جمع با آن نیست، بلکه حقیقتی است که می‌تواند کثرت را هم در خود جمع کند، یعنی در عین حال که واحد است، کثیر هم می‌تواند باشد. در واقع، تبیین وحدت سریانی وجود، بدون پذیرش کثرت موجودات، امکان‌پذیر نیست. به عبارت دیگر، باید کثرتی موجود باشد تا وحدت در آن سریان داشته باشد. در قالب مثال می‌توان یک شعاع نور را در نظر گرفت که به تدریج که از منبع دور می‌شود، از انرژی آن کاسته شده، ضعیف‌تر می‌شود و لذا دارای مراتب مختلف و متکثری می‌گردد» (حسنی، ۱۳۸۵: ۸). جنونی در سه بیت زیر با طرح مسئله افاضه وجود به موجودات از جانب حق تعالی، به مفهوم وحدت در کثرت نیز اشاره می‌کند:

ز رخ شمعی نقاب افکند در آینه‌زار جسم که شد پیدا چراغان وجود از جنبش اشیا

چو دریا از تحرک بر تموج منتهی گردد تعدد گشت پیدا در صفات ذات بی همتا

هر آن سری که در وحدت سرای غیب مخفی بود به لوح کائنات از منشی تقدیر شد انشا

(غزل ۱، بیت ۱ تا ۴، ۷۷)

آینه‌داری موجودات و آیت حق بودن آنان مفهوم دیگری است که در مباحث عرفانی زیاد از آن سخن به میان آمده؛ توجه به این موضوع ریشه قرآنی دارد و برای مثال در آیه ۱۶۴ سوره بقره نیز از انواع موجودات به عنوان نشانه‌ای برای عاقلان جهت شناخت خدا یاد شده است. نمونه زیر نیز به همین امر اشاره می‌کند:

یک ذره نیست کاینه دار رخ تو نیست حیران کار خویش بد دادخواه تو (غزل ۲۴۱، بیت ۴، ۲۹۶)

دعا و طلب به همراه ناله و اظهار نیاز به درگاه محبوب ازلی، از سنت‌های عرفانی محسوب می‌شود. «خواندن خاضعانه و خاشعانه بنده، حقیقت دعا است. اما این خواندن حتی اگر همراه با بیان حاجت و نیازمندی هم نباشد و حتی اگر به لفظ و زبان نیز جاری نشود، در باطن خود فقر و نیازمندی بنده را متجلی نموده و قابلیت او را برای طلب فیض الهی متحقق می‌سازد» (پورطولمی، ۱۳۹۳: ۲۸). جنونی در ابیات زیر ضمن اظهار نیاز به معشوق از او تمنای تجلی دارد:

^(۵) «ان فی خلق السموات والأرض واختلاف الليل والنهار والفلک التي تجري في البحر بما ينفع الناس وما أنزل الله من السماء من ماء فأحيا به الأرض بعد موتها وبث فيها من كل دابة وتصريف الرياح والسحاب المسخر بين السماء والأرض لآيات لقوم يعقلون» (۱۶۴/ بقره).

از اشک چشم تخم کرم سبز می شود نشو و نما کنند در این آب دانه ها

شد در عجم حصار جنونی ز ناله راست ای حسن تو ترانه طراز (غزل ۲، ابیات ۵ و ۶، ۷۸)

شاعر در غزل ۳ با نگاهی عرفانی معراج حضرت رسول اکرم «ص» را مورد توجه قرار داده و از فنای در حق بودن آن حضرت در ضمن اشاره به نام مبارکشان سخن به میان می آورد و معتقد است دلیل اینکه حرف میم در وسط کلمه احمد آمده، آن است که خداوند خواسته با این امر جدا ناپذیر بودن ذات حق با ذات حضرت محمد «ص» را نشان دهد؛ زیرا وجود آن حضرت در وجود حضرت حق فانی بود. شاهد مثالی هم که برای این مدعا می آورد معراج پیامبر اسلام است که حتی فاصله اندکی که احد با احمد به یک حرف «م» دارد در آن جا برداشته می شود و رسول اکرم «ص» می تواند با خداوند صحبت کند؛ در صورتی که این فیض حضور در بارگاه وحدانیت باری تعالی نصیب هیچ موجود مقیدی نمی شود:

احد زان کرد دل مشرق طلوع میم احمد را که نشناسد کسی از ذات حق ذات محمد را

شب معراج باز احمد مجرد شد ز میم ار نی به وحدانیت او نیست ره مطلق مقید را (غزل ۳، بیت ۱، ۷۸).

نمونه های دیگر مفاهیم ذکر شده در دیوان جنونی اردبیلی:

منزل، سالک (غزل ۱۵، بیت ۲، ۹۰)؛ قطره عو دریا، واصل، سیل، برقع گشودن که اشاره به تجلی حضرت حق دارد، خال، گوهر و صدف، جام (غزل ۶، بیت ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶، ۸۱)؛ توکل (غزل ۱۹، بیت ۸، ۹۴)؛ نخل تجلی (غزل ۲۲۰، بیت ۵، ۲۷۷)؛ فنا، بقا و تجرد (غزل ۲۱۱، بیت ۶، ۲۶۹)؛ استغنا، آیین، جمع و حلقه زلف (غزل ۲۰۲، بیت ۴ و ۷ و ۱۲، ۲۶۰)؛ کعبه و بتخانه، سبحة و زنار (غزل ۲۰۰، بیت ۲، ۲۵۸)؛ فنا و بقا (غزل ۵، بیت ۳، ۸۰)؛ تجلی و نقاب گشودن (همان، بیت ۴)؛ وصل (همان، بیت ۷)؛ قفس و مرغ (همان، بیت ۹)؛ سفارش به دوری از مردم جهت بهره مندی از شراب کمال (غزل ۹۱، بیت ۳، ۱۵۶)؛ دعوت به سکوت و تفکر (غزل ۱۹، بیت ۶، ص ۹۴)؛ طلب مدام داشتن (غزل ۹، بیت ۶، ۸۵)؛ نقش بلا و مشکلات طریق در وصال به معشوق (همان، بیت ۱۱)؛ سالک در طریق سلوک بایستی قدم بر روی منیت، مادیات و نفسانیات خود بگذارد (غزل ۲۳۹، بیت ۳، ۲۹۴ و غزل ۲۲۱، بیت ۱ و ۹، ۲۷۸).

مفاهیم مرتبط با آموزه های اسلامی

جدایی از خودپرستی و حذر از گرفتاری در بند تعلقات مادی و معنوی جزو سفارشات مهم در آموزه های اخلاقی اسلام است که در بیت زیر به آن اشاره شده و لازمه انعکاس نور الهی در دل بندگان، جدایی از این رذیله دانسته شده است:

تا تو از خویشتن جدا نشوی دلت آیین خدا نشود (غزل ۱۳۳، بیت ۴، ۱۹۵)

^(۹) در این غزل قطره به عنوان ردیف در همه ۹ بیت تکرار شده است.

^(۹) این تعبیر که با توجه به حدیث «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا عَتَّهُ بِالْبَلَاءِ عَتًّا وَنَجَّهَ بِالْبَلَاءِ نَجًّا، إِذَا دَعَا قَالَ لِكَيْكَ عَبْدِي لَنْ عَجَلْتُ لَكَ مَا سَأَلْتَ إِنِّي عَلَى ذَلِكَ لَقَادِرٌ وَلَنْ أَدْخُرْتُ لَكَ فَمَا أَدْخُرْتُ لَكَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكَ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۵۳). از معارف اسلامی محسوب می شود به طور خاص در میان عارفان نیز مورد توجه بوده است؛ لذا در ذیل مفاهیم مرتبط با عرفان و تصوف به آن اشاره شد.

مقاله پژوهشی

همچنان که در قرآن مجید خداوند حکیم پس از یاد دادن اسماء به حضرت آدم به ملائکه دستور می‌دهد تا به وی سجده کنند (۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴/ بقره)؛ لازمه مسجود ملائک شدن بنی آدم نیز رسیدن به کمال انسانی است. شاعر در بیت زیر، این امر را به خوبی بیان می‌کند:

به هر که مرتبه آدمی تمام کند ملک سجود نماید فلک سلام کند (غزل ۹۱، بیت ۱، ۱۵۶)

عیسی وقتی ز شب خیزی مشو بیمار ای گل خندان بیداری چرایی خوار خواب» (غزل ۱۷، بیت ۱، ۹۱)

بیت فوق و تمامی ابیات غزل ۱۷ که در مذمت غفلت و خواب زیاد سروده شده است را هرچند می‌توانستیم ذیل مبحث مربوط به مفاهیم و تعبیر عرفانی بیاوریم، به جهت هدف شاعر از سرودن آن که یافتن گنج زندگانی و غنیمت شمردن عمر ذکر شده و در روایات نیز به آن سفارش شده است، آن را ذیل مفاهیم مرتبط با آموزه‌های اسلامی ذکر کردیم. حدیث معروف از امام علی (ع) در خصوص غنیمت شمردن فرصت‌ها: «الْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ، فَانْتَهَزُوا فُرْصَ الْخَيْرِ» (نهج البلاغه، حکمت ۲۱) و سفارش به شب زنده‌داری در قرآن مجید: «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا» مؤید اهمیت جایگاه این دو خصیصه در آموزه‌های اسلامی است.

کل غزل ۴ با مطلع:

ستون خیمه دین هیچ دانی چیست امت را به دل حالی نمودن پایه شاه ولایت را (غزل ۴، ابیات ۷ تا ۷۹ و ۸۰)

تواضع که در کلام امیرالمومنین نیز مایه نایل شدن به بزرگی معرفی شده: «بِالتَّوَّاضُعِ تَكُونُ الرَّفْعَةُ» (لیث واسطی، بی تا: ۱۸۷)، در بیان شاعر نیز مورد توجه قرار گرفته است:

گر خاک بر آستان شوی صدر شوی و ر طی مراحل بکنی بدر شوی (رباعی ۲۸، ۳۸۵)

از مفاهیمی که در فرهنگ شیعه دارای اهمیت فراوان است و در آثار شاعران و نویسندگان شیعه نیز به نوعی نمود پیدا کرده، زیارت کربلا و یا ارجمندی آن سامان به برکت مرقد مطهر سیدالشهدا (ع) است. به طوری که فضائل فراوانی به زائران آن حضرت برشمرده‌اند. حدیث زیر از امام صادق (ع) نمونه‌ای از این احادیث است که ثواب اخروی زیارت کربلا را بهشتی شدن معرفی می‌کند:

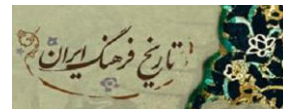
«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَلَائِكَةً مُّوَكَّلِينَ بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ ع فَإِذَا هَمَّ الرَّجُلُ بِزِيَارَتِهِ أَعْطَاهُمْ ذَنْبَهُ فَإِذَا أَخْطَأَ [خَطَا] مَحْوَهَا ثُمَّ إِذَا أَخْطَأَ [خَطَا] ضَاعَفُوا لَهُ حَسَنَاتِهِ فَمَا تَزَالُ حَسَنَاتُهُ تُضَاعَفُ حَتَّىٰ تَوْجِبَ لَهُ الْجَنَّةَ» (ابن بابویه، ۱۴۰۶: ۹۱).

جنونی در رباعی زیر مجاور سیدالشهدا بودن در کربلا را مستحق رفتن به بهشت می‌داند:

گر نیک به کربلا کند جا گر زشت گر اصل وی از کعبه بود گر ز کنشت

روز محشر ز خاک چون برخیزد بی پرسش حشر می‌برندش به بهشت

(رباعی ۱۱، ۳۸۲)



قرآن مجید در ذکر اوصاف قیامت به گریختن برادر از برادر اشاره می‌کند: (يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ) (عبس/ ۳۴)؛ در بیت زیر شاعر با ترجمه‌ای از همین آیه مضمون آفرینی کرده است:

برادر از برادر گشت و فرزند از پدر بگریخت میان خلق عالم شد نمایان محشر کبری

(قصیده ۴، بیت ۱۵، ۳۳۱)

اشاره به داستان‌ها، آیات و روایات

دیوان جنونی دربردارنده اشارات مختلفی به داستان‌ها، آیات و روایات است که عمدتاً ریشه‌ای قرآنی دارند. ماجرای معراج حضرت محمد «ص» در آیه ۱ سوره مبارکه اسراء و داستان خضر نبی و حضرت موسی (س) در آیات ۷۹ تا ۸۲ سوره مبارکه کهف ذکر شده که جنونی در دو بیت زیر به این دو داستان اشاره کرده است:

شب معراج باز احمد مجرد شد ز میم ار نی به وحدانیت او نیست ره مطلق مقید را

کلام شگرینش گر نمی‌شد خضر خودبینان شهادت شهد یکتایی نمی‌بخشید اشهد را

(غزل ۳، ابیات ۳ و ۲، ۷۸)

در بیت زیر نیز با بیان دیگری به ماجرای معراج پیامبر اسلام اشاره شده است:

ارادت بهر آن کرسی‌نشین لیلۀ الاسراء مرصع از جواهر ساخت این تخت زبرجد را

(غزل ۳، بیت ۷، ۷۹)

در نمونه زیر، منظور از «اشهد»، کلمه شهادتین است که تحت تأثیر باورهای اسلامی شاعر، وارد شعر او شده است:

کلام شگرینش گر نمی‌شد خضر خودبینان شهادت شهد یکتایی نمی‌بخشید اشهد را

(غزل ۳، بیت ۳، ۷۸)

«کن» در بیت زیر برگرفته از واژه قرآنی «کن فیکون» است؛ آن‌جا که می‌فرماید: «إِذَا قُضِيَ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (۱۱۷/ بقره):

هنوز از حرف کن لوح و قلم در ساده لوحی بود که بر خود جلوه دادی شوکتش شأن موید را

(غزل ۳، بیت ۴، ۷۸)

«سدّ سکندر» در بیت زیر اشاره به داستان قرآنی «یأجوج و مأجوج» در آیات ۹۳ تا ۹۸ سوره مبارکه کهف دارد که جنونی به جهت آشنایی با این ماجرا از آن برای مضمون‌آفرینی در شعرش بهره گرفته است:

بر نام خود طلسم نگویی ز عکس او آینه شأن سدّ سکندر شکست و بست (غزل ۶۵، بیت ۴، ۱۳۲)

در نمونه زیر با بیان دیگری به این داستان اشاره می‌کند:

سدّی است که غم بسته به یأجوج حوادث در آینه خاطر ما کرد کمالش (غزل ۱۵۵، بیت ۴، ۲۱۷)

مقاله پژوهشی

علامه حلی در کتاب «نهج الحق و کشف الصدق» ضمن بیان فضایل امیرالمومنین به ماجرای شکستن بت‌ها به وسیله حضرت علی (ع) به کمک پیامبر که برای این کار شانه خود را زیر پای امیرالمومنین نهاد، اشاره می‌کند: «رَوَى الْجُمْهُورُ مِنْ عِدَّةِ طُرُقٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص حَمَلَ عَلِيًّا حَتَّى كَسَرَ الْأَصْنَامَ مِنْ فَوْقِ الْكَعْبَةِ» (حلی، ۱۹۸۲: جلد ۱، ۲۲۳). جنونی نیز با اشاره به این ماجرا در تعبیری بسیار زیبا این عمل را معراج آن حضرت معرفی می‌کند و بدین طریق عظمت جایگاه دو بزرگوار را گوشزد می‌کند:

اگر معراجش از دوش نبی باشد عجب نبود ندارد تاب دوش آسمان بار ولایت را (غزل ۴، بیت ۳، ۷۹)

او مهر مسیحی است که تابیده به ذرات او نار خلیلی است که اشیا شرر اوست

نمونه‌های دیگر:

نار خلیل (غزل ۲۹، بیت ۳، ۱۰۳)؛ طور، طور تجلی (غزل ۴، بیت ۶، ۷۹ و غزل ۵، بیت ۴، ۸۰ و غزل ۶۰، بیت ۷، ۱۲۸)؛ خضر (غزل ۵، بیت ۳، ۸۰ و غزل ۸، بیت ۷، ۸۴)؛ خیمه لیلی (غزل ۶، بیت ۳، ۸۱)؛ مجنون (غزل ۱۰، بیت ۷، ۸۶)؛ مصر، کنعان، یوسف، پیراهن یوسف (غزل ۷، بیت ۵ و ۲، ۸۲)؛ خضر راه، آب حیوان (غزل ۱۱، بیت ۳، ۸۶)؛ رابعه (غزل ۸، بیت ۹، ۸۴)؛ ضحاک و مار (غزل ۹، بیت ۹، ۸۵)؛ کوهکن و بیستون (غزل ۱۳، بیت ۶، ۸۸)؛ عیسی (غزل ۱۷، بیت ۱، ۹۱)؛ شجر وادی ایمن، موسی و عصا (غزل ۴۲، بیت ۳، ۱۱۴)؛ صفای مروه که اشاره به مناسک حج دارد و یادآور داستان همسر حضرت ابراهیم «ع» است (غزل ۶۰، بیت ۲، ۱۲۷)؛ مور و سلیمان (غزل ۹۴، بیت ۹، ۱۵۹)؛ سجده ملک به آدم در صورتی که آدمی به مرتبه آدمی خود دست یابد (غزل ۹۱، بیت ۱، ۱۵۶)؛ صبح الست (غزل ۷۴، بیت ۶، ۱۴۲)؛ مهر سلیمانی (غزل ۲۷، بیت ۵، ۱۰۱)؛ آب بقا (غزل ۳۰، بیت ۱، ۱۰۴)؛ جلوه حضرت حق در همه جا جاری است (غزل ۳۲، بیت ۹، ۱۰۶)؛ محمود و ایاز (غزل ۳۳، بیت ۳، ۱۰۷)؛ انالحق و منصور (غزل ۴۱، بیت ۲، ۱۱۴).

نتیجه

مطالعه اشعار شاعران فارسی زبان نشان می‌دهد که تأثیرات فرهنگ و معارف اسلامی در آن‌ها قابل انکار نیست. همچنان که بررسی اشعار جنونی اردبیلی در پنج بخش «واژه‌ها یا کلمات خاص»؛ «اشاره به نام اشخاص معروف جهان اسلام»؛ «اصطلاحات، تعبیرات و مفاهیم عرفانی»؛ «مفاهیم مرتبط با آموزه‌های اسلامی»؛ «اشاره به داستان‌ها، آیات و روایات»؛ بیانگر آن است که بخش قابل توجهی از اشعار وی تحت تأثیر این منبع عظیم فکری- فرهنگی بوده است. نمونه‌های مربوط به «واژه-ها یا کلمات خاص» در دیوان جنونی بسامد بالایی دارد؛ تا آن‌جا که ذکر همه موارد نیازمند تحقیق مستقلی است، به همین جهت تنها به ذکر برخی از نمونه‌ها اکتفا شد. لذا از جهت واژگانی تأثیرات محل زندگی وی که از لحاظ دینی و مذهبی معروف بوده و از مراکز مورد توجه شاهان صفوی به شمار می‌رفت، قابل توجه است. از جمله این واژه‌ها عبارتند از: ذات بی همتا، تقدیر، احد، ذات حق، وحدانیت، شهادت، کعبه، معراج و قیامت، ليله القدر و غیره بودند. نمونه‌های بخش دوم با عنوان «اشاره

^۸ اشاره دارد به داستان سجده ملائکه به آدم در قرآن مجید. ← (آیه ۳۴/سوره بقره).

به نام اشخاص معروف جهان اسلام» از آن جهت دارای اهمیت است که تعیین کننده مذهب و باورهای مذهبی وی است. بیشتر اشارات وی در این بخش به ائمه شیعه اثنی عشری مربوط می‌شود که به سبب حاکم بودن جو شیعی در زمان شاهان صفوی امری طبیعی به حساب می‌آید. از جمله این اشارات عبارتند از: محمد، شاه ولایت، علی ابن ابیطالب، شاه نجف، امام حسین (ع)، منصور، شاه خراسان، کربلا، مهدی صاحب الزمان و ...

تحت تأثیر عرفان اسلامی، اندیشه، اصطلاح و تعبیرات عرفانی هم در شعر جنونی نمود پیدا کرده است. نمونه‌های مربوط به «اصطلاحات، تعبیرات و مفاهیم عرفانی» در دو دسته اصطلاحات و مفاهیم مورد ارزیابی قرار گرفت که نشان از آشنایی وی با اصطلاحات و مفاهیم عرفانی دارد. در این نمونه‌ها به اصطلاحاتی همچون: جلوه، استغنا، نیاز، حیرت، جام، فنا، بقا و ...، و به مفاهیمی همچون طلب مدام، دوری از خلق، ترک منیت، اهمیت سکوت و اشتیاق به بلایا و ... اشاره شده است که همگی نشان از تأثیرات اسلامی نمونه‌های مورد نظر دارد.

نمونه‌های مربوط به «مفاهیم مرتبط با آموزه‌های اسلامی»، تنها بخشی است که نسبت به بخش‌های دیگر از بسامد کم‌تری برخوردار است، اما دیوان جنونی از این خصیصه نیز بی‌بهره نبوده است. وی در این نمونه‌ها به نپهی مخاطب از خودپرستی و حذر از گرفتاری در بند تعلقات مادی، مقام انسان و مسجود ملائک شدن او، نکوهش غفلت و سستی و خواب زیاد و غیره اشاره کرده است. وجود مفاهیمی از این دست در اشعار جنونی به غنای مفهومی آن افزوده است. «اشاره به داستان‌ها، آیات و روایات»، آخرین بخش از تقسیم بندی نمونه‌های اثرپذیری جنونی از فرهنگ غنی اسلامی است که بسامد زیاد و قابل توجهی نیز دارد. اشاره مواردی همچون درخت طور، آتش خلیل، ماجرای همسر حضرت ابراهیم، داستان یوسف پیامبر، ماجرای مور و سلیمان نبی و ... همگی نشان از تأثیرات فراوانی است که آموزه‌های اسلام در شعر این شاعر داشته است. در نتیجه با توجه به نمونه‌های هر کدام از بخش‌ها می‌توان گفت که اثرپذیری شعر جنونی از فرهنگ و معارف اسلام و قرآن غیر قابل انکار است و حذف این نمونه‌ها از دیوان وی موجودیت و غنای شعری آن را با مشکل مواجه خواهد کرد.

تضاد منافع

بدین‌وسیله نویسندگان اعلام می‌دارند که هیچ نفع متقابلی از انتشار این مقاله ندارند.

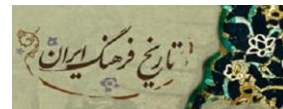
منابع

۱. قرآن مجید
۲. ابن ابی طالب، ۱۳۷۹، نهج/البلاغه، محمد دشتی، چاپ دوم، افق فردا: قم.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۰۶، ثواب/الأعمال و عقاب/الأعمال، چاپ دوم، دار الشریف الرضی للنشر: قم.
۴. ابن شعبه، حسن بن علی، ۱۳۸۹، تحف/العقول عن آل الرسول (ص)، ترجمه علی اکبر میرزایی، صالحان: قم.
۵. ابن قولویه، محمد بن جعفر بن موسی، ۱۳۷۷، کامل‌الزیارات، ترجمه سید محمد جواد ذهنی، بی‌جا: بی‌نا.
۶. پورطولمی، منیرالسادات، ۱۳۹۳، «دعا و طلب در عرفان نظری»، شماره ۱۴، پژوهش‌نامه عرفان: تهران.
۷. اردبیلی، جنونی، ۱۳۹۶، دیوان جنونی/اردبیلی (جنگ‌نامه ترکی و اشعار فارسی)، مقدمه و تصحیح سعداله دنیوی مغانلو، یایلپق: اردبیل.
۸. حسنی، سید حمیدرضا، ۱۳۸۵، «وحدت و کثرت وجود در حکمت متعالیه و عرفان»، شماره ۳، دوره ۷، پژوهش‌های فلسفی-کلامی: قم.
۹. حلی، حسن بن یوسف، ۱۹۸۲، نهج/الحق و کشف/الصدق، دار الکتاب اللبنانی: بیروت.

۱۰. خسروی، محمد رضا، ۱۳۸۱، سیر تاریخ، فرهنگ و تمدن اسلامی، آن: تهران.
۱۱. راستگو، سید محمد، ۱۳۹۰، تجلی قرآن و حدیث در شعر فارسی، چاپ هشتم، سمت: تهران.
۱۲. سجادی، جعفر، ۱۳۸۳، فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، چاپ هفتم، طهوری: تهران.
۱۳. شمیسا، سیروس، ۱۳۸۹، فرهنگ تلمیحات، چاپ دوم، میترا: تهران.
۱۴. عبدالمنعم، محمود عبدالرحمن، ۱۴۱۹، معجم المصطلحات و الالفاظ الفقہیہ، دارالفضیلة: قاهره.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷، اصول کافی، جلد ۲، دار الکتب الإسلامیة: تهران.
۱۶. گوهرین، سید صادق، ۱۳۷۶، شرح اصطلاحات تصوف، جلد ۱ و ۲، چاپ دوم، زوآر: تهران.
۱۷. گوهرین، سید صادق، ۱۳۶۸، شرح اصطلاحات تصوف، جلد ۴، زوآر: تهران.
۱۸. گوهرین، سید صادق، ۱۳۸۰، شرح اصطلاحات تصوف، جلد ۵ و ۶، زوآر: تهران.
۱۹. لیث واسطی، علی بن محمد، بی تا، عیون الحکم والمواعظ، موسسه علمی فرهنگی دارالحديث: قم.
۲۰. موسوی اردبیلی، سید فخرالدین، ۱۳۷۸، تاریخ اردبیل و دانشمندان، چاپ دوم، شیخ صفی الدین: اردبیل.
۲۱. نظامی عروضی، احمد بن عمر، ۱۳۸۰، چهار مقاله، به اهتمام محمد معین، چاپ دوازده، امیرکبیر: تهران.
۲۲. هادی انداد جدید، رحیم، ۱۳۹۴، «جستجو در احوال و آثار جنونی اردبیلی و گردهمایی شعرای ادب فارسی»، دهمین همایش بین المللی ترویج زبان و ادب فارسی، دانشگاه محقق اردبیلی: اردبیل.

آوانگاری منابع

1. Qur'ān Majīd
2. Ibn Abī Tāleb, 1379, Nahj al-Balāgha, Mohammad Dashti), chāp dovvom, Ofogh-e Fardā: Qom.
3. Ibn Bābūyeh, Mohammad bin Ali, 1406, Thawāb al-A'māl wa 'Iqāb al-A'māl, chāp dovvom, Dār al-Sharīf al-Radhī lil-Nashr: Qom.
4. Ibn Shabbeh, Hasan bin Ali, 1389, Tuhaf al-'Uqūl 'an Āl al-Rasūl (s), tarjome Ali Akbar Mirzā'i, Sālehān: Qom.
5. Ibn Qolūyeh, Mohammad bin Ja'far bin Mūsā, 1377, Kāmel al-Ziyārāt, tarjome Seyyed Mohammad Javād Zehni, bi-jā: bi-nā.
6. Pour-Toulomī, Monir al-Sādāt, 1393, "Do'ā va Talab dar 'Erfān-e Nazārī", shomāre 14, Pazhūshnāmeḥ 'Erfān: Tehrān.
7. Ardabīlī, Jenūnī, 1396, Dīvān-e Jenūnī-ye Ardabīlī (Jangnāmeḥ-ye Torkī va Ash'ār-e Fārsī), moghademe va tashīḥ Sa'dollāh Donyavī Moghānlu, Yāyliq: Ardabīl.
8. Ḥosnī, Seyyed Hamid-Rezā, 1385, "Vahdat va Kethrat-e Wujūd dar Hekmat-e Motā'ālīye va 'Erfān", shomāre 3, dore 7, Pazhūshhā-ye Falsafī-Kalāmī: Qom.
9. Ḥallī, Hasan bin Yūsuf, 1982, Nahj al-Ḥaqq va Kashf al-Ṣidq, Dār al-Kitāb al-Lubnānī: Beyrūt.
10. Khosravī, Mohammad Rezā, 1381, Sīr-e Tārīkh, Farhang va Tamaddon-e Eslāmī, Ān: Tehrān.
11. Rāstgū, Seyyed Mohammad, 1390, Tajallī Qur'ān va Ḥadīth dar She'r-e Fārsī, chāp hashtom, SAMT: Tehrān.
12. Sajādī, Jafar, 1383, Farhang-e Estelāḥāt va Ta'bīrāt-e 'Erfānī, chāp haftom, Tahūrī: Tehrān.
13. Shamīsā, Sīrūs, 1389, Farhang-e Talmīḥāt, chāp dovvom, Mītrā: Tehrān.



14. ‘Abdul-Mon‘em, Mahmoud ‘Abdul-Rahman, 1419, Mu‘jam al-Mustalahāt wa al-Alfāz al-Fiqhīyah, Dār al-Faḍīlah: Qāhira.
15. Kolīnī, Mohammad bin Ya‘qūb, 1407, Uṣūl al-Kāfi, jeld 2, Dār al-Kutub al-Islāmīyah: Tehrān.
16. Gowharīn, Seyyed Ṣādiq, 1376, Sharḥ-e Estelāḥāt-e Tasawwuf, jeld 1 va 2, chāp dovvom, Zawwār: Tehrān.
17. Gowharīn, Seyyed Ṣādiq, 1368, Sharḥ-e Estelāḥāt-e Tasawwuf, jeld 4, Zawwār: Tehrān.
18. Gowharīn, Seyyed Ṣādiq, 1380, Sharḥ-e Estelāḥāt-e Tasawwuf, jeld 5 va 6, Zawwār: Tehrān.
19. Laith Wāsiṭī, ‘Ali bin Mohammad, bi tā, ‘Uyūn al-Ḥekam wa al-Mawā‘eẓ, Mo’assese ‘Elmī Farhangī Dār al-Ḥadīth: Qom.
20. Mousavī Ardabīlī, Seyyed Fakhr al-Dīn, 1378, Tārīkh-e Ardabīl va Dāneshmandān, chāp dovvom, Sheikh Safī al-Dīn: Ardabīl.
21. Nezāmī ‘Arouzī, Ahmad bin ‘Omar, 1380, Chahār Maqāleh, be ehterām-e Mohammad Mo‘īn, chāp davāzdah, Amīrkabīr: Tehrān.
22. Hādī Andāb Jadīd, Rahīm, 1394, “Jostojū dar Aḥvāl va Āsār-e Jenūnī-ye Ardabīlī va Gerdahmā’ī-ye Sho‘arā-ye Adab-e Fārsī”, Dahomīn Hamāyesh-e Beyn al-Mellalī-ye Tarvīj-e Zabān va Adab-e Fārsī, Dāneshgāh-e Moḥaqqueq-e Ardabīlī: Ardabīl.